

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم با سلام خدمت استاد عزیز و فرزانه: جناب استاد تا پرسش از ازدواج موقت می‌آید در جواب مسئله موضوع ایجاد مشکل در خانواده مطرح می‌شود و صورت مسئله پاک می‌شود و گفته می‌شود صیغه برای ضرورت آن هم در موارد نادر آن هم برای مجردها یا متاهلینی که دست رسی به همسر ندارند است ولی آیا نمی‌شود از منظر دیگری نیز به مسئله نگاه کرد؟ آمار بسیار بالایی از زنان مطلقه و حدود یک میلیون پیر دختر بالای ۳۵ سال در جامعه وجود دارد سالانه ۱۵۵ هزار طلاق که ۶۰ درصد آن مال زنان کمتر از ۳۰ سال است رخ می‌دهد. تعداد زنان بدون همسر بر اثر فوت شوهر ۶ برابر تعداد مردان بدون همسر بر اثر فوت همسرشان می‌باشد. حجم بسیاری از آنها به دلایل مختلف امکان ازدواج دائم مجدد یا برای همیشه یا تا سالیانی برایشان وجود ندارد. خوب آیا براحتی می‌توان نیاز غریزی و طبیعی و بسیار قوی این تعداد زیاد زنان را نادیده گرفت و آیا نادیده گرفتن این قضیه زمینه ارضاء نامشروع را در جامعه فراهم نمی‌کند و فشارها و بیماریهای روانی و بعضا جسمانی که از این رهگذر نصیب خویشتن داران آنها می‌شود را می‌توان نادیده گرفت؟ از طرفی مردان بسیاری در جامعه هستند که هم تمکن مالی دارند و میل به متعه و باید بپذیریم طبیعت مرد چنین است. این مسئله حتی در بین مردهای مذهبی هم ملاحظه می‌شود صرف نظر از آن تعداد قلیلی که به خاطر روحيات عمیق عرفانی از این مسئله مستثنی هستند. یکی از اساتید در چند سال پیش می‌گفت در تحقیقی نشان داده شد اکثر زنها در شهر اصفهان توسط متاهلین انجام گرفته است. ما چه بخواهیم چه نخواهیم بسیاری از متاهلین طبیعتا به این مسئله گرایش شدیدی دارند و منطقی آن است اگر می‌شود شرایط اسلامی بدون گناه فراهم شود زمینه سازی شود، چرا ورود در این گناه زمینه ورود در بسیاری گناهان دیگر و تا حد بی‌ایمانی پیش رفتن را فراهم می‌کند، آن هم با این شرایط بسیار مهیج و تحریک کننده وحشتناک حتی برای کسانی که سعی در حفظ خود دارند. عامل اصلی که که مسئله متعه را تا این اندازه به حاشیه برده و بد جلوه داده و مشکلات ایجاد کرده عدم پذیرش این موضوع توسط زنان است که اگر خود به جای آن زن مطلقه یا شوهر مرده قرار گیرند احتمالا تغییر موضع می‌دهند. آیا وقت آن نرسیده فرهنگ سازی متعه شروع شود چرا که جامعه یا باید به متعه تن دهد یا به زنا. حتی برای متاهلین و این چیزی است که تجربه کاملا نشان می‌دهد. نمی‌دانم این حرف درست است یا نه ولی یکی از دوستان می‌گفت تحقیق شده که چرا در لبنان که این همه بی‌حجابی و فساد وجود دارد بچه‌های حزب الله لبنان اینقدر سالم هستند و متوجه شدند مسئله صیغه در بین حزب الله امری کاملا مرسوم و متداول است و حتی همسران شهدای حزب الله

براحتی به متعه دیگر نیروهای حزب الله در می آیند و حتی خود از بین پیشنهاد دهندگان فرد مورد نظر را انتخاب می کنند. راستی آیا امروز ایران ما برای نجات از زنا و دیگر گناهان جنسی و عواقب معنوی و جلو گیری از مشکلات روحی روانی نیاز مبرم به مطرح کردن متعه به طور عام ندارد؟ و آیا دیگر دلایل رد متعه در جامعه فعلی ناتمام نیست؟ با تشکر و التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در عین این که موضوع، بسیار حساس و ریشه در تنگناهای تاریخی ما به عنوان کشور ایران دارد؛ موضوع همان طور است که می فرمایید. به گفته ی علامه طباطبایی؛ زنان شوهردار نباید گرفتار یک نوع غیرت بی جا باشند که مربوط به مردان است و تحمل زن یا زنان دیگری را در کنار شوهر خود نداشته باشند. در حالی که رسول خدا «صلوات الله علیه و آله» سیره ی دیگری را برای زنان گشوده اند. و عملاً این یک نوع خودخواهی پنهان است که اگر بتوانند از این رذیله خود را آزاد کنند، نه تنها بسیاری از مشکلاتی که نام بردید در جامعه رفع می شود، یک نحوه سعه ی صدری در زنان شوهردار ما در آن ها ظهور می کند و تنگ نظری پنهان آن ها که منجر به یک نحوه دوگانگی با شوهرانشان هست نیز از بین می رود. و البته این به شرطی است که مردان نیز به عنوان یک مسئولیت نسبت به زنان بی شوهر با موضوع، برخورد کنند و به تنهایی و بی سرپرستی آنان فکر کنند، به جای آن که صرفاً قصد شهوت رانی داشته باشند و ارتباط با زن اول خود را تعطیل نمایند. آری! در لبنان و در اکثر کشورهای عربی زنان شوهردار پذیرفته اند در صورتی که شوهرشان زن دومی را اختیار کند، خللی در شخصیت و زندگی شان پیش نمی آید، زیرا زندگی را در معنایی وسیع تر جستجو می کنند، و وقتی شوهرشان زن دیگری را متعه کند بالاخره در راه شرعی این مشکل را رفع کرده، وگرنه شیطان از طریق غیر شرعی راه های خود را می گشاید. و این آن چیزی است که امروزه شما با آن روبه رو هستید، و تا زیرساخت های فرهنگی این مشکل رفع نگردد، همچنان راه های شیطانی گشوده خواهد بود و مرد و زن هر دو ضرر می کنند. موفق باشید